



بررسی امکان شرط تعیین مدت در عقد وقف از سوی واقف

محمد رضا آهنگر^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی امکان شرط تعیین مدت در عقد وقف از سوی واقف انجام شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی (اسنادی) و از نوع بنیادی - نظری می باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به شیوه ی عقلانی - منطقی صورت گرفت و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شد. نتایج بررسی پژوهش حاضر نشان می دهد در مورد صحت یا بطلان وقفی که در آن، واقف شرط کند در زمان مشخصی، موقوفه به وی باز گردد، دیدگاه های متفاوتی در فقه ارائه شده است. مخالفان صحت این عمل، یا آن را از اصل باطل می دانند و یا معتقدند چنین عملی منطبق بر عنوان حبس است و نه وقف؛ زیرا در هر صورت، وقف باید دائمی باشد و شرط بازگشت موقوفه به واقف، در تعارض با این ویژگی و مغایر مقتضای عقد وقف است. همچنین شرط تعیین مدت از سوی واقف شرطی باطل و مَبطل عقد می باشد زیرا خلاف مقتضای عقد وقف می باشد، اما اگر مالکیت واقف بر مالی، محدود به مدت معینی باشد چنین وقفی اشکالی ندارد و صحیح است. زیرا در این مورد شخص واقف تعیین مدت نکرده بلکه مالکیت او محدود به مدت معینی بوده است.

کلمات کلیدی : وقف، دوام، شرط، واقف.

^۱ . دانشجوی کارشناسی حقوق، فارغ التحصیل کارشناسی الهیات دانشگاه مازندران



مقدمه

سنت حسنه وقف به عنوان یکی از مؤثرترین راه های همیاری در طول تاریخ، همواره پشتوانه اقتصادی اهداف متعالی انسانی در جوامع بشری بوده است؛ ولی با ظهور و گسترش اسلام که مؤسس یا مؤید تمام نیکی ها و روش های پسندیده بود (غیورباغبانی و همکاران، ۱۳۹۸). این سیره نیکو نیز به عنوان برجسته ترین مصداق صدقات و نمونه اجرای احسان رونقی بسیار گرفت تا آنجا که بتدریج، یکی از بزرگترین منابع گسترش رفاه اجتماعی و رفع فقر در سایه نشر و ترویج فرهنگ اسلامی به شمار می رود (صفایی پور و همکاران، ۱۳۹۳). در ادوار گذشته، نیکوکاران بسیاری به این سنت نیک روی آورده و موقوفاتی را از خود به جای گذاشته اند. امروزه سنت وقف مورد کم لطفی قرار گرفته است و افراد کمی وجود دارند که تمایل داشته باشند بخشی از اموال خود را برای برطرف کردن مشکل اقتصادی افراد نیازمند اختصاص دهند تا از آثار اخروی و دنیوی وقف بهره مند شوند (رستمی، ۱۴۰۰). عمل عقد وقف، عملی خاص است که در زمره عقود معین قرار دارد و آثار و قواعد آن در قانون مدنی ایران بیان شده. به موجب این عمل، شخص واقف به منظور رسیدن به هدف نیک و معنوی خویش مال خود را حبس می کند و منافع آن را در راه رسیدن به هدف خود اختصاص می دهد. این عمل در سنت و گفتار معصومین با عناوین مختلف از جمله «صدقه جاریه، صدقه ای که مستمر است و موبد» یاد می شود که منفعت حاصل از آن به عنوان یک صدقه جاریه، به طور ابد در یک امور خیر انفاق می شود و نتیجه آن اجر اخروی و تقرب به ذات الهی می باشد. «إِن تَقْرِضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ» اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان بر می گرداند و بر شما می بخشد.

یکی از مسائل مهم در عقد وقف، شروط واقف و کیفیت اِعمال آن در ضمن عقد وقف می باشد. طبق اصل حاکمیت اراده ها، شخص واقف در عقد وقف می تواند هر شرطی که منافعی با ذات عقد وقف نباشد ضمن آن درج کند. از جمله شروطی که در صحت و بطلان آن تردید و شبه وجود دارد «شرط تعیین مدت» از سوی مالک و «مدت دار بودن مالکیت» شخص واقف بر مال است. در حقیقت سوال این است که آیا شخص واقف می تواند با شرط تعیین مدت، عقد وقف را عمل آورد؟ و یا می توان این شرط را از وی پذیرفت؟ به عقیده ابوحنیفه، «مال وقف شده در ملکیت صاحب آن باقی می ماند و می توان از آن رجوع کرد». برخی فقها با عقیده ابوحنیفه و عدم تابیدی بودن وقف اختلاف نظر دارند. ابو یوسف از شاگردان ابوحنیفه بر این عقیده است که «در وقف ملکیت واقف نسبت به مایملک خود منقطع شده و به ملکیت خداوند منتقل می شود و این به معنای موبد بودن وقف است».

با توجه به دیدگاه های ارائه شده می توان اظهار داشت از مهم ترین قواعد فقهی که در باب وقف استفاده می شود «اصل دوام» است. برخی اصل دوام و تداوم را از شرایط صحت عقد وقف می دانند و بر این باور اند که تعیین زمان و محدود کردن وقف به زمانی معین، عمل وقف را از معنایش ساقط می کند. چرا که ذات وقف دائمی بودن و ابدی بودن آن است. بنابراین در این مقاله به دنبال یافتن حکم این موضوع بویژه در حقوق ایران هستیم که آیا اساساً امکان درج شرط در وقف وجود دارد یا نه. پاسخ به این پرسش اولاً بستگی تام به شناخت ویژگی های وقف دارد. لذا ادبیات فقهی بر مباحث حاکم است و از نظرات فقهای امامیه استفاده خواهد شد تا در نهایت حکم حقوقی آن استنباط شود.



مفهوم وقف

ابن قدامه حنبلی در حدود هشت قرن قبل در تعریف وقف بیان داشت: « وقف عبارت است از تحبیس اصل مال و تسبیل ثمره آن». در ماده 55 قانون مدنی، وقف عبارت است از اینکه «مالی حبس و منافع آن تسبیل شود». "تسبیل" در لغت به معنای رایگان دادن چیزی در راه خدا است و مقصود از "تسبیل" منافع در حقوق مدنی این است که منافع صرف امور خیر بشود نه امور شخصی. با این حال در وقف خاص واقف می‌تواند خانواده‌ی خود را از موقوف علیهم قرار دهد (تاجیک زاده و علیزاده، 1400). و همچنین است تعریف وقف از منظر فقه، توقیف و احتیاط. چرا که هرگونه اقدام در امور زندگی که در قانون صریحاً نهی نشده یا امر ننموده باید بر وفق احتیاط باشد و باید از اقدام بر خلاف احتیاط توقف کرد.

از منظر قرآن کریم وقف عملی صالح و صدقه ای دائمی و مستمر است که با توجه به آیات دیگر قرآن کریم نه تنها عملی جایز است بلکه در برخی حالات مستحب نیز می‌باشد. در قرآن آیه ای مستقل مربوط به وقف دیده نمی‌شود ولی با توجه به آیات مربوطه به انفاق و صدقه می‌توان به رجحان وقف استدلال کرد. «الباقیات الصالحات خیر ربک ثوابا و خیر املا» (کهف/46). اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ امید داشتن به آنها نیکوتر است (هزار جریبی و ایرانمنش، 1394).

تعیین مدت عقد وقف

برخی فقهای امامیه "اصل دوام" را از شروط صحت وقف می‌دانند و مطابق این اصل، وقفی که محدود به زمان خاصی گردد باطل خواهد بود. دلیل بطلان وقف در این دیدگاه همان دائمی بودن عقد وقف است. همچنین است اگر واقف شرط کند که مال موقوفه به هنگام نیازمندی شخص واقف به او بازگردد. لازمه ی صحت عقد وقف حبس شدن عین مال است (مقصود از حبس عین جدا ساختن موقوفه از دارایی واقف (فک ملک) و نگاه داشتن عین مال، از نقل و انتقال) (بیات، ۱۴۰۱). و تعیین مدت برای موقوفه از سوی واقف می‌تواند خلاف مقتضای ذات این عقد باشد. اما از آنجایی که شرط خلاف مقتضای ذات یک عقد همیشه مبطل اصل آن عقد نخواهد بود، بلکه می‌تواند به عنوان یک مبدل باشد. اگر مالکیت مالک بر مالی را محدود به مدت معینی بدانیم، وقف چنین مالی مشکلی ندارد و نمی‌توان آن را با شرط تعیین مدت اشتباه نمود. در اینجا شخص واقف تعیین مدت نکرده بلکه مالکیت او به عین مدت دار است. حال برای مثال می‌توانیم حقوق مادی شخص مخترع را مدنظر بگیریم که به عنوان مالک مادی حق اختراع خویش، اختراع خود را وقف می‌کند، که چنین وقفی صحیح است (مدت حمایت از اختراع حداقل ۵ سال و حداکثر ۲۰ سال از زمان تسلیم اظهارنامه ثبت اختراع می‌باشد).

شرط باطل و مبطل

مفهوم شرط در اصطلاح اصولی: امری است محتمل الوقوع در آینده که طرفین عقد حدوث اثر حقوقی عقد را کلاً یا بعضاً بر حدوث آن امر محتمل الوقوع نماید. مفهوم شرط در کتب فقهی حقوقی نیز هر امری می‌باشد که وجود آن برای تحقق امر دیگری لازم باشد. و عبارت است از چیزی که اگر نباشد، مشروط بوجود نمی‌آید ولی اگر شرط بوجود آید به تنهایی برای ایجاد مشروط کافی نیست (لنگرودی، ۱۳۸۴).



ماده 233 قانون مدنی ایران شروط «باطل» و «مبطل» عقد را بر دو قسم بر می شمارد:

1. شرط خلاف مقتضای عقد: منظور از مقتضای ذات عقد، اثری است که اگر از عقد گرفته شود، جوهره آنچه که مورد تراضی است از بین برود. همچنین شرطی که بر خلاف ذات و ماهیت عقد باشد مانند شرط عدم مقاربت در عقد نکاح. شرط عدم فروش در عقد بیع بضرر مشتری بر خلاف ذات عقد بیع نیست (بیات، ۱۴۰۱).

۲. شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.

تفاوت عقد وقف و حبس

حبس نوعی از عقود احسان است. حبس کننده را "حابس" گویند و مال مورد حبس را "محبوس" و کسی که حبس به نفع او شده "محبوس علیه" نامیده می شود. حبس با وقف از جهات ذیل فرق دارد:

- ملک محبوس از مالکیت حبس کننده خارج نمی شود هرچند که برای حبس مدت معین نشود. که این را حبس مطلق گویند (مثلا اگر اتوموبیلی را حبس کننده، برای مسجودی حبس کند و اتوموبیل بعد ها فرسوده شود، مصالح اتوموبیل ملک حابس خواهد بود در حالی که در وقف چنین نیست).
- می توان برای حبس مدت تعیین نمود ولی در وقف نمی توان مدت تعیین کرد.
- اگر حبس مالی کنند و مدت معین نمایند، به محض فوت حابس، ملک جزء ترکه شده و حبس از بین می رود. در نتیجه، در وقف مالکیت از صاحب آن مال ساقط می شود و وی دیگر نمی تواند هیچ دخل و تصرفی در آن مال داشته باشد. اما در خصوص حبس ما سقوط مالکیت را شاهد نیستیم.

نظرات فقها در تعیین مدت وقف

- امام خمینی (ره)

در کتاب توضیح المسائل امام خمینی (ره) در باب وقف آمده؛ اگر کسی چیزی را وقف کند، از ملک او خارج می شود و نه او و نه دیگران نمی توانند آنرا هبه کنند یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی برد. و بعد در پاسخ به این سوال که آیا شرط تعیین مدت در عقد وقف صحیح است یا خیر، امام پاسخ دادند: کسی که مالی را وقف می کند باید برای همیشه وقف کند پس اگر مثلا بگوید این مال تا ده سال وقف باشد و بعد نباشد و یا شرط کند این مال تا ده سال وقف باشد و بعد تا پنج سال وقف نباشد و بعد دوباره وقف باشد باطل است و به احتیاط واجب باید وقف از موقع خواندن صیغه باشد، پس اگر مثلا بگوید این مال بعد از فوت من وقف باشد، چون از موقع خواندن صیغه تا فوت او وقف نبوده اشکال دارد (خمینی، ۱۳۹۳).

- آیت الله مکارم شیرازی

آیت الله مکارم شیرازی به این سوال که آیا می توان در وقف شرط شود که موقوفه تا مدتی توسط واقف مورد استفاده قرار گیرد و یا اینکه وقف را برای مدتی مشخص محدود کند پاسخ دادند: کسی که مالی را وقف می کند بنا بر احتیاط باید از موقع خواندن صیغه وقف کند و اگر مثلا بگوید این مال بعد از مردن من وقف باشد اشکال دارد. اما می توان مالی را برای همیشه وقف نمود

^۱. حبس مال از دیدگاه امام خمینی: حبس در صورتی که مطلق باشد یا به دوام آن تصریح شود به ملک مالک باز نمی گردد و ارث برده نمی شود و اما اگر مدتی برای آن تصریح شده باشد تا پایان آن مدت رجوعی نیست و بعد از انقضای مدت به مالک یا به وراثت او بر می گردد.



مشروط بر اینکه مثلاً منافعتش چند سال اول در اختیار واقف یا شخص دیگری باشد و در موقوفه مصرف نشود. و در پاسخ به بخش دوم گفتند: کسی که مالی را وقف می کند باید برای همیشه مال را وقف کند. یعنی اگر بگوید از حالا تا ده سال وقف باشد اشکال دارد.

• آیت الله خامنه ای

رهبر انقلاب در پاسخ به این سوال که آیا جایز است مکانی برای مدت موقتی مثلاً ده سال به عنوان مسجد وقف شود و بعد از انقضای این مدت دوباره به ملکیت واقف یا ورثه برگردد فرمودند: این کار به عنوان وقف صحیح نیست زیرا وقف عقدی دائمی می باشد و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی شود، ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدت معین اشکال ندارد (خامنه ای، ۱۳۹۰).

• محقق حلی

شاید زیباترین و روشن ترین تعریف از عقد وقف از آن محقق حلی است و او در تعریف عقد وقف چنین می گوید که؛ وقف عقدی است که ثمره آن حبس کردن اصل و رها کردن منفعت است. وقف ملک خداست و منفعت مال موقوف علیه. از بخش اخیر اینطور استنباط می شود که از زمان انشاء صیغه عقد، وقف به ملکیت خداوند در می آید و واقف دیگر نمی تواند برای آن مدتی تعیین کند و یا بعد از مدتی به آن مال رجوع کند و یا آن را پس بگیرد. پس اگر مدتی برای وقف قرار دهد، به علت "عدم دوام" باطل است و همچنین اگر معلق کند به وصفی که بعدها حاصل می شود مثل طلوع آفتاب به علت عدم تنجیز و اگر شرط کند که هرگاه محتاج بشود، موقوفه به خودش برگردد، شرط صحیح اما وقف باطل است و مال بر می گردد به او و این عمل حبس خواهد بود (محقق حلی، ۱۳۶۸).

البته برخی حقوقدانان بر این باورند که تعریف محقق حلی از عقد وقف یک ایراد منطقی دارد، زیرا تعریف به اعم کرده و آنرا مانع نمی دانند و رها کردن منفعت را به معنای اعراض دانسته اند (ماده ۱۷۸ ق.م) و برای تصحیح این تعریف آورده اند که بهتر است بگوییم عین موقوفه مال خداست و موقوف علیهم مالک منافع نیستند و فقط به مدت عمر خود در وقف خاص و در وقف عام مدت معین یا مدت عمر خود حق انتفاع دارند.

• قانون مدنی

در ماده ۵۵ قانون مدنی ایران در باب عقد وقف در تشریح وقف آمده: عقد وقف، عقدی است لازم، موجد حق انتفاع، مجانی، غیر معوض و مسامحه ای. در عقد وقف نمی توان شرط معوض بودن نمود یا خیار فسخ برای هر یک از واقف یا موقوف علیهم قرار داد و یا آن را اقاله کرد زیرا شرط عوض و خیار فسخ و اقاله منافات با مقتضای ذات عقد وقف که تسبیل منافع است خواهد داشت و شرط خلاف مقتضای عقد هم از موارد ماده ۲۳۳ قانون مدنی، یعنی شروط باطل و مبطل عقد خواهد بود.

برخی علمای علم حقوق بر این باورند مال موضوع وقف نباید دارای عمر کوتاه باشد و دلیل این نظریه این است که کوتاه بودن عمر مال مورد وقف با شرط «جاودان بودن» وقف منافات دارد.

قانون مدنی ایران دو اصل را از شرایط صحت وقف می داند؛



1. اصل تنجیز: یکی از شرایط صحت وقف است که گاهی از آن به جزم تعبیر می شود و در مقابل تعلیق عقد یا تعلیق ایقاع بکار می رود (لنگرودی، ۱۳۸۴). تنجیز به معنای رها کردن و آزاد گذاشتن از هر قید و شرطی به چیز دیگر است و قانون مدنی صحت عقد وقف را منجز و دائمی بودن و خارج کردن ملک مورد وقف از ملکیت واقف می داند.

2. دوام: اصل دوام و تداوم یکی از شرایط صحت عقد وقف می باشد و تعیین زمان و محدود کردن وقف به زمانی معین عمل وقف را از معنایش ساقط می کند. بنابر این دوام و دائمی بودن بدون قید و شرط زمانی از شرایط مهم صحت وقف است (قریشی و همکاران، 1398).

• دکتر کاتوزیان

دکتر ناصر کاتوزیان (حقوقدان برجسته ایران) در تعریف عقد وقف ابتدا به ماده 55 قانون مدنی اشاره می کند و در ادامه می فرماید وقف در ادبیات فارسی به معنای توقف، حبس کردن و منحصر کردن چیزی است و در اصطلاح حقوقی به مفهوم بازداشتن و نگاهداشتن می باشد. گاه از وقف به عنوان یک نهاد حقوقی یاد می شود که برای رسیدن واقف به هدفش بوجود آمده . نهاد و سازمانی که دارای مدیر و ناظر و اموال می باشد و در ادامه می فرماید: مالی وقف است که عین آن حبس و برای جلوگیری از انتقال ملک به ورثه، مال از دارایی واقف بیرون رود و این حبس باید دائمی باشد تا گذشت زمان نتواند آنچه را واقف ساخته درهم بریزد. دکتر کاتوزیان همانند فقهای امامیه بر این باور است که اصل دوام و تداوم از خصوصیات بارز عقد وقف می باشد و دوام حبس را لازمه وقف می داند. همچنین ایشان در پاسخ به نظریه مطرح شده (شرط تعیین مدت از سوی واقف) می فرمایند :

اگر کسی مال خود را برای ده سال یا مدتی معین وقف کند، این عمل حقوقی را وقف نباید دانست، زیرا او بقای مالکیت خود را اراده کرده است. موقت بودن وقف بدین معنی است که ارتباط مالکیت عین موقوفه با دارایی واقف قطع نشده است و گذشت زمان، خود به خود و بدون اینکه نیاز به سبب خاصی باشد مالکیت را دوباره به او باز می گرداند. به بیان دیگر در این فرض (شرط تعیین مدت) ماهیتی که موضوع قصد مالک قرار گرفته «حبس موقت» می باشد هرچند نام وقف بر آن نهاده باشد (کاتوزیان، 1400).

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی (اسنادی) و از نوع بنیادی - نظری است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به شیوه ی عقلانی - منطقی صورت گرفت و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شد. منابع تحقیق شامل کتاب ها، نشریات، سایت های معتبر داخلی و خارجی و پژوهش های مرتبط با موضوع تحقیق بوده است.

بحث و نتیجه گیری

انجام عمل خیر که دیگران از آن بهره مند شوند، عمری به درازای حیات بشری دارد زمانی که اولین انسان ها در جدال با آسیب های طبیعی به ایجاد اماکن عمومی که همگان بتوانند به نحوی از آن استفاده نمایند، توجه نمودند، می توان گفت: نوعی صدقات و خیرات و وقف به صورت ساده بنا کرده اند که خود و دیگران زمانی در آن بیاسایند و یا جرعه ای آب بنوشند؛ یا پلی بر فراز دره ای و یا رودی ساخته اند که رهگذران بتوانند خود را از سمتی به سمت دیگر برسانند، و یا معبدی که عموم مردم بتوانند خدای خود را ستایش کنند. در این میان با آمدن ادیان الهی، روح سرگردان و اندیشه های پراکنده ی انسان ها به سوی آرامش و امنیت سوق داده شد و وقف بر پایه اصول و فقه وارد زندگی اجتماعی انسان ها شد. بر طبق قواعد فقهی، وقف از لحاظ وجود کلمه «تسبیل» باید از ظن و گمان های خودپرستی و سودجویی واقف دور بماند و مال به سود دیگران و در راه خدا حبس شود



زیرا عقد وقف، عقدی دائمی و موبد می باشد و از جهت موبد بودن آن، می بایست شرط تعیین مدت در عقد وقف را شرطی باطل و مبطل دانست. در این میان نباید از تأثیرات منفی منع کردن شخص واقف برای تعیین مدت به سادگی گذشت. زیرا این عمل یک محدودیتی را برای افرادی که رغبت به وقف مال خود دارند به وجود می آورد و آن ها را منصرف از عمل خود می کند. که در نتیجه ی آن، کاهش آمار وقف های انجام شده، تأثیرات مخرب بر نظام اقتصادی کشور، افزایش نیازمندان و مستضعفان و از بین رفتن فرهنگ و سنت اسلامی را می تواند در پی داشته باشد. بهتر است در این زمینه قانون گذار با یک دسته تغییرات جزئی و شرایطی اخص حبس دائمی وقف را تا حدودی شکسته و رغبت افراد را به وقف کردن اموال خود بیشتر کند. چرا که اگر فردی، باغی را برای سی سال و یا چهل سال هم وقف بکند و قانون گذار این تعیین مدت را از واقف بپذیرد، در همین بازه طولانی مدت سی و یا چهل سال، ثمره و منفعتی که از این باغ بدست می آید بسیار چشمگیر بوده و کمک به سزایی در رونق و آبادانی سرزمین اسلامی و ترویج این سنت حسنه را در پی دارد .

منابع

- بیات، شیرین و بیات، فرهاد، 1401، شرح جامع حقوق مدنی، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات ارشد.



- تاجیک زاده، سعید و علیزاده، سعید، اهمیت و جایگاه وقف در حقوق موضوعه ایران با نگاهی به فقه اسلامی اعم از فقه اهل تسنن و فقه اهل تشیع، مجله علمی فقه حقوق و علوم جزاء، دوره ششم، شماره نوزدهم، بهار 1400، 1-20.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، 1384، ترمینولوژی حقوق، چاپ پانزدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- خامنه ای، سیدعلی، 1390، استفتائات باب وقف، چاپ سوم، تهران، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- کاتوزیان، امیرناصر، 1400، عقود معین، جلد سوم، تهران، گنج دانش.
- خمینی، روح الله، 1393، رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی، چاپ هفتم، قم، شهیدین زین الدین.
- رستمی، سارا، وقف از نگاه فقه و حقوق موضوعه و تاثیر آن بر اقتصاد ایران، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره چهارم، زمستان 1400، 145-163.
- شهبازی، محمدحسین، 1397، قانون تشکیل سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات حقوقی دکتر محمدحسین شهبازی.
- صادقی گلدر، احمد، 1385، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، چاپ اول، تهران، انتشارات صائن.
- صفایی پور، مسعود؛ سیاحی، زهرا؛ زرگوشوستری، محمدمبین و داری پور، نادیا، بررسی تاثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز، مطالعه موردی: منطقه یک، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره پنجم، شماره شانزدهم، 1393، 89-104.
- قریشی، مهدی؛ جوادی، محمدحسن؛ رحمانی، حامد و جوادی، حسین، بررسی فقهی و حقوقی شرط «بازگشت موقوفه به ملک واقف هنگام نیاز» به عنوان شرط فاسخ در عقد وقف، دوره پنجاه و یکم، شماره چهارم، زمستان 1398، 51-74.
- عبادی، صادق، 1386، ساختار وقف در جهان اسلام، چاپ اول، تهران، اسوه.
- غیورباغبانی، مرتضی؛ پورنگ، علی؛ نصرآبادی، هادی؛ رجوعی، مرتضی و مرادی، محسن، شناسایی عوامل موثر بر توسعه فرهنگ وقف با رویکرد تحلیل مضمون در آستان قدس رضوی، نشریه علمی مدیریت اسلامی، دوره بیست و هفتم، شماره دوم، 1398، 149-170.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، 1368، شرایع الاسلام، مترجم: ابوالقاسم بن احمد یزدی، چاپ چهارم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- هزارجریبی، جعفر و ایرانمنش، محمدعلی، وقف، دیدگاهها و راهکارهای ارتقاء، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، آلمان/برلین، 1394.

Investigating the possibility of the condition of determining the duration of the endowment contract by Waqf

Mohammadreza Ahangar

Abstract

The present study aimed to investigate the possibility of determining the condition of the term in the contract of endowment by the Waqf . The research method is descriptive-analytic (documentary) and the fundamental-theoretical type. Data analysis was done by rational-logical method and library method and data collection method was used. The results of the present study show that different views have been presented in jurisprudence about the accuracy or invalidation of endowments in which the person knows that the endowment returns to him at a certain time. Opponents of this act either consider it invalid or believe that such an act is in accordance with the title of imprisonment and not endowment, because in any case, the endowment must be permanent and the condition for the return of the endowment to Waqf is contrary to this feature and contrary to the requirements of the contract of endowment. Also, the condition of determining the term by the knower is void and invalid condition of the contract because it is against the requirements of the waqf contract, but if the owner of the knowledge of money is limited to a certain period of time, such endowment is not a problem and it is correct. For in this case the person did not know the period but that his property was limited to a certain time.

Keywords : Endowment, Durability, Bet, Waqf.